

کلیات

در موسیقی و ادبیات دری

بازشناسی نظام آموزشی موسیقی سنتی افغانستان و همسایه‌گان

از آغاز عهد اسلامی تا استیلای مکتب خرابات

(سده‌های سوم تا چهاردهم هجری)

دکتر اسدالله شعور

برخ چهارم

کلیات مقامات و شعبه‌های هر یک

شعبه‌های نظام موسیقی خراسانی از لحاظ مدارج در مرتبه‌ی سوم قرار دارند. هرچند قدما آوازها را در ابتدا شعبه می‌خواندند؛ ولی با انکشاف نظام موسیقی و شریک شدن ملل گوناگون جهان اسلام، اعم از اعراب، ترکان شرقی، ترکان غربی، مسلمانان هندی، سندی، پنجابی، کشمیری، کردها، مسلمانان شمال آفریقا و بسا اقوام دیگر، در نظام موسیقی خراسانی الاصل؛ این نظام دچار تغییر، تحول، انکشاف و ارتقا گردید؛ و این امر سبب شد تا دانشمندان موسیقی طبقه‌ی دیگری به نام شعبه بر آن بیافزایند و شش شعبه‌ی پیشین را آوازه نامند.

در نظام موسیقی ما بیست و چهار شعبه وجود دارد؛ چنانچه دو دانشمند برجسته‌ی کشور مولانا عبدالرحمان جامی و مولانا علی بنایی در رسالات موسیقی شان به اتفاق نوشته اند که شعبه‌های مقامات، عبارتند از: دوگاه، سه‌گاه، چهارگاه، پنجگاه، عشیرا، نوروز عرب، ماهور، نوروز خارا، نوروز بیاتی، حصار، نُهفت، عُزال، اوج، نیریز، مبرقع، ركب، صبا، همایون، زاولی، اصفهانك یا روی عراق، بسته‌نگار، نهاوند، جوزی و مُحیر.^۱

مولانا علی بنایی صرف مقام جوزی را که به ولایت جوزجان و یا جوزون (جوزگون) مرکز ولایت تاریخی بدخشان^۲ افغانستان منسوبست، جوزی نوشته‌است. این اسامی شعبات با نامهای شعبه‌هایی که در رساله‌ی ادوار صفی‌الدین^۳ و به تبعیت از آن در جامع‌الاحان^۴ و مقاصد الاحان^۵ عبدالقادر گوینده آمده‌است؛ کاملاً انطباق دارد؛ و معلوم می‌شود که

تا این زمان مکتب صفی‌الدین تا قلب خراسان بزرگ انتشار یافته و جاگزین مکتب اصیل خراسانی گردیده بود. ولی با آخم اسامی محلی مقامات از بین رفته برخی از مقامات، شعب و گوشه‌ها در جاهای مختلف به نامهای گوناگون یاد می‌گردید؛ چنانچه در همین دوران شعباتی که در بین اهل عمل شهر هرات رایج بوده، با آنچه جامی و بنایی نوشته اند، دارای تفاوت‌هایی بوده‌است؛ نظیر اسامی شعباتی که در رساله‌ی استاد شاه محمد دلدوز هروی - معاصر آن دو دانشمند - آمده، در میان آنها از نام‌های نوروز خارا، بسته‌نگار، نخواند و جوزی یا خوزی سراغی نمی‌توان یافت؛ بلکه به‌جای آنها اسامی نیشاپورک، نوروز، عجم و مغلوب به‌کار رفته‌است و در پهلوی آن مقامات عشیرا که عشیران نیز گویند، به‌شکل عشیرانک، زاولی به‌صورت زابل یا زاول و نوروز بیاتی در هیأت بیاتی ذکر یافته‌است.^۶ همچنان در همین روزگار اهل عمل بخارا و عموماً پاردریا به‌جای اسامی پنجگاه، مرقع، بسته‌نگار، نخواند و جوزی نامهای مغلوب، نیشاپورک، زیرافکن و عجم را به‌کار می‌برده‌اند.^۷

مؤلفین برخی از رسایل موسیقی نیز درین زمینه اشاراتی داشته؛ تفاوت‌های اسامی و یا حوزه‌های ترویج چنین شعبات را مشخص کرده‌اند؛ چنانکه ابوالوفای سفره‌چی در رساله‌ی کرامت مجرای خویش که در سالیان آغازین سده‌ی یازدهم هجری برای علیقلی خان اندرابی - والی کابل - و یا علیقلی خان حاکم جونپور هند تألیف نموده؛ نوشته‌است: «در اسم بعضی از مقامات اختلاف واقعست، چنانچه کوچک را زیرافکن، و رهاوی را بسته‌نگار نیز گویند، و بعضی حسینی را زیرکش و زنگوله را نخواند می‌دانند؛ ... بعضی بسته‌نگار، زیرکش، نخواند و حجاز ترک را از ترکیبات بیست و چهار شعبه می‌دانند».^۸

حسن کاشانی نیز سه‌صد سال پیش از سفره‌چی، در کنزالتحف به‌این تفاوت‌ها اشاره نموده و نوشته بود که: «دوگاه را در خراسان سپهری گویند. زنگوله را در بخارا نخواند نامند؛ نوا را در روم باحور خوانند و اصفهان را در عراق مخالف گویند».^۹ چون هدف ما درینجا صرف یادآوری موضوعست نه تحقیق جدی درین زمینه؛ پس به‌همین اشارات بسنده نموده، می‌پردازیم به دنباله‌ی مطلب.

در اغلب رساله‌های موسیقی، ارتباط هر دوشعبه را با يك مقام، که نخستین از نغمات زیر یعنی بلندی و دومی از نغمه‌های بم یا پستی آن مقام برخاسته‌است، معرفی

می‌کنند؛ چنانکه در کلیاتِ زیرین شعبات نامبرده شده‌ی پس از هر مقام، از نعماتِ فرازی همان مقام برگرفته شده‌اند و شعباتِ دومین، همه از نعماتِ فرودی آنها؛ چون این کلیات خود بازگوینده‌ی مطلبِ موردِ بحث ماست؛ از شرح و تفصیلِ بیشتر می‌گذریم.

این کلیات که مانند نمونه‌ی کلیاتِ مقام‌ها و شعباتِ یادشده در فصلِ دوم؛ به سبب ذکرِ سلسله‌ی مراتب مقامات و شعبه‌های آنها بر بنیادِ مکتب موسیقی خراسانی پیش از صفی‌الدین‌ست؛ یکی از کلیات‌های بسیار کهنِ نظمِ دری شمرده می‌شود:

۲۱/۴:۱

راست خوان و راست روای مرد راه	هم مَبْرَقَعْج باید و هم پنبگاه
رو به اصفاهان که یابی ای پسر	تو ز نیریز و نشاپورک خبر
در عراقم دشمنان منکوب شد	تا مخالف پیش من مغلوب شد
آنکه گوهرهای کوچک سفته‌است	شعبه‌اش رُکَب و بیاتی گفته‌است
از بزرگ آخر گلِ بختم شگفت	تا شنیدم از همایون در نهفت
حاجیان را گم شد آهنگِ حجاز	تا سه‌گاه آمد مصارِ اهل ساز
بوسلیک آهنگ‌سازی نیک‌نام!	از عشیران تا صبا آرد پیام
نالای عشاق تا دریافته	زاول از اوچِ محبت تافته
از حسینی تا حدیثی خوانده‌ام	در دوگاهِ دل مُمبِر مانده‌ام
تغمه‌ی زنگوله‌کاهل حال خواند	چارگاه از پرده‌ی عزال خواند
از نوا ، نوروزِ فارا دور نیست	گوشه‌یی نیکوتر از ماهور نیست
از رهاوی پیش اربابِ نغم	
شد دو نوروز، این عرب؛ آن یکِ عجم ^۱	

کلیاتِ دیگری که صورتِ کاملِ آنها پیش ازین آورده‌ام؛ همان کلیاتیست که برخی‌ها به‌کوکبی منسوبش داشته‌اند؛ و ما دلایلِ عدمِ این انتساب را بیشتر برشمردم؛ چون این کلیات به‌شکل ناقص و اختصار شده‌ی آن در اغلب رسالاتِ موسیقی تألیف شده بعد از سده‌ی نهم در سرتاسر قلمرو زبان و فرهنگِ دری نقل گردیده‌است؛ آنها نیز به‌نقل از زمزمه‌ی وحدتِ باقی‌ای نایینی و با مقابله‌ی نسخه‌ی‌هایی چند از دیگر رساله‌ها، به‌عنوان مثالِ کلیات‌های

مقامات و شعبه‌های مربوط به آنها؛ به تکرار می‌آوریم:

۲: ۴/۲۲

دو شعبه هر مقامی راست ناچار
مبدقع لازمش با پنمگاهست
دوگاه آمدقربنش با مُمیر
گاهی (روی مخالف)، گاه مغلوب
به نیریز و نشاپوری برد راه
نماید چارگاه آنگاه عزال
نغم در زابل و در اوج انداز
بود نورهزِ فارا فرع و ماهور
سه‌گاهست و مصار آن نخل را بار
عشیدان و صبا را داد آواز
به نورهزِ عجم برد از دل آرام
همایون و نهفت از وی دو پرده
که در (کُتب و بیاتی) بیت‌خوانی
کنون باید به تدبیرش عنان تافت
چو دریا کش بود قعری و موجی
بود فرعِ دوم را اصل ماوای
بری بردار از تخمی که کشتم]

دمی بشنو ز من ای مردِ هشیار
مقام راست گنج رنجگاهست
حسینی کز مقامات هست برتر
عراقِ عشرت افزا هست مطلوب
ز اسپاهان کسی کو گردد آگاه
پس از زنگوله اندر نغمه قوال
چو سازی نغمه‌ی عشاق را ساز
نوا، کز وی فتد اندر جهان شور
حجاز آمد یکی نخلِ ثمردار
نوای پوسلیگی از پرده‌ی ساز
[ره‌اوی شد به نورهزِ عرب رام
پژرگ آمد چو چنگ ساز کرده
مقام کوچک ار دانی؛ توانی
[دو فرع از بهر اصلی بیان یافت
حضیضی هست با هر اصل و اوجی
حضیضش فرعِ اول را بود جای
بدین ترتیب تا آخر نوشتیم

* * *

پیش از ظهور کلیات‌های شعبه‌ها، اسامی این مرتبه‌ی مقامات موسیقی بسیار درهم و برهم و پر از نمودهای متعدد محلی و منطوقی بود؛ چنانکه اسامی یادشده‌ی شعبات در شرح ادوار علی جرجانی، با اسامی‌ایکه مورد بحث ماست، بیش از هشتاد درصد تفاوت دارد و در پهلوی آن، او تعداد شعبات را سی و دو وانمود کرده، نه بیست و چهار که اسامی آنها ازین قرار بوده‌اند: صبا، عذرا، دوستکانه، معشوق، خوش‌سرا، خزان (نه‌خزان)، نوهار، وصال، گلستان، غمزده (نه‌غم‌زدا)، مهرگان، دلگشا، بوستان، زنگوله،

مجلس افروز، نسیم، جانفزا، مُحیر، حجازی، زنده‌رود، عراق، زیرافگندِ کوچک، مزدکانی (که حتماً مزده‌گانی خواهد بود)، نُهت، اصفهانک، غزال (نه‌غزال)، وامق، نوروزِ عرب، ماهوری، فرخ، بیضا و حضراً.^{۱۲} در میان این‌سی و دو نام، اسامی مقام‌هایی چون زنگوله، حجازی، عراق، زیرافگندِ کوچک، و اصفهانک را نیز می‌بینیم، ولی معلوم نیست که اینها توسط خود علی‌گرگانی در میان این اسامی تداخل داده شده‌اند، و یا اینکه کاتبی ناشی دست به‌چنین کاری یازیده‌است. ولی پس از تعمیم و به‌شهرت رسیدنِ کلیات‌های منظومست که می‌بینیم نامهای شعبات و گوشه‌های نظام مقامی موسیقی کشورهای دری زبان برای دو، سه صد سال متوالی تا حدود قابلِ توجهی ثابت مانده، صرف با تحوّل کلی و تقریباً همزمان نظام موسیقی این کشورها به‌هم خورده‌است. پس نقش ژنر کلیات را در ثبات نظام موسیقی خراسانی کشورهای دری زبان شایسته‌ی هرگونه ستایش می‌یابیم.





مدارک و پینوشت‌ها:

۱ - رساله‌ی موسیقی جامی مایکرو فیلم کتابخانه‌ی مرکزی اکادمی علوم افغانستان صص ۱۰ - ۱۲. و نسخه‌ی کتابخانه‌ی البیرونی تاشکند اوراق ۴۴۳ الف - ۴۴۴ الف دیوان جامی.

- رساله در موسیقی. اثر بنایی هروی. صص ۹۱ - ۱۰۰.

۲ - اسم اصلی فیض آباد مرکز ولایت بدخشان جوزون است که تا هنوز عامه‌ی مردم آن را به همین نام یاد می‌کنند؛ چنانچه در فلکی می‌خوانند:

امروز دلم به آو جوزون افتاد از شاخ بلند دو سیو گلگون افتاد

گفتم بروم دو سیو گلگون بخرم گویا نظر لیلی به مجنون افتاد

ولی در رسمیات آن را فیض آباد می‌خوانند. اسم فیض آباد در زمان احمدشاه درانی برین شهر گذاشته شده است زیرا بعد ازینکه خرقه‌ی مبارکه‌ی حضرت پیامبر اسلام را از بخارا به قندهار انتقال می‌دادند. آن را مدت مدیدی در شهر جوزون نگهداشته بودند. ازینرو به شرف خرقه‌ی مبارکه جوزون را فیض آباد خوانند. همچنان خرقه‌ی متبرکه مدت شش ماه در کابل نگهداشته شده بود که قدمگاه آن را زیاتی ساختند که امروز به نام «زیارت سخی» معروفست. سنگی را که از میان سوراخ آن می‌گذرند و سنگ ذوالفقارش می‌نامند، صندوق خرقه مدت شش ماه در زیر خیمه‌ی بالای آن سنگ قرار داشت.

- شعور، داکتر اسدالله. ترانه‌های کهسار. کابل: انجمن فولکلور و ادب. ۱۳۵۳ ش.

- ۳ - شرح ادوار. ص ۳۰.
- ۴ - جامع الالحان. صص ۱۳۹ - ۱۴۶.
- ۵ - مقاصد الالحان. صص ۷۱ - ۷۷.
- ۶ - رساله‌ی موسیقی شاه محمد دلدوز. صص ۱۶ - ۱۷.
- ۷ - رساله‌ی موسیقی کوبی بخارایی. ص ۱۸.
- ۸ - کرامت مجرای دوره‌ی سفره‌چی. نسخه‌ی شماره ۷۲ محفظه‌ی ۸۱ آرشیف ملی افغانستان ورق ۸۷ ب. این رساله با مقابله هفده‌ی نسخه‌ی موجود آن توسط نگارنده تصحیح و آماده‌ی چاپ ساخته شده‌است.
- ۹ - کنزالتحف. ورق ۲۰.
- ۱۰ - کرامت مجرا. نسخه‌ی ۴۰۱ کتابخانه‌ی گنج‌بخش اسلام‌آباد: راست خوان و راست رو..
- ۱۱ - زمزمه‌ی وحدت. به تصحیح و مقابله‌ی نگارنده. ص ۵۴ نسخه‌ی تاییبی - تحفة السرور. مایکروفلم اکادمی علوم افغانستان ص ۱۴۳.
- تحفة السرور. نسخه‌ی شماره ۲۶۴ کتابخانه‌ی پژوهشکده‌ی خاورشناسی اکادمی علوم تاجیکستان. اوراق ۱۱۴ الف - ۱۱۹ ب.
- تحفة الادوار عنایت هروی. نسخه‌ی شماره ۸۱۱۶۱ دیوان هند کتابخانه‌ی بریتانیای لندن. ورق ۲۲ الف.
- چون این کلیات در بیش از شصت منبع خطی و پنج منبع چاپی از نظر نگارنده‌ی این سطور گذشته‌است، صورت مقابله‌ی نسخه‌ها هفت صفحه را دربر گرفت. لذا از نقل آن منصرف گردیده، صورت تکمیل یافته‌ی کلیات را بر بنیاد چهار منبع یادشده در بالا آوردیم. ابیات بین قلاب‌ها که در زمزمه‌ی وحدت وجود ندارد؛ از روی سه نسخه‌ی بعدی افزوده شده‌است.
- ۲۱ - برکشلی، داکتر مهدی. شرح ردیف موسیقی ایران و ردیف هفت دستگاه موسیقی ایران موسی معروفی. تهران: هنرهای زیبا. ۱۳۴۱. صص ۳۲ - ۳۶.